مروری بر عملیات مروارید در ۷ آذرماه ۵۹ در گفت‌وگوی «جوان» با امیر دریادار عبدالله معنوی

شهید همتی واژه ترس را غلط املاء می‌کرد!

■ علیرضا محمدی

روزشمار دفاع مقدس را که نگاه می‌کردم، یک رویداد بزرگ در میان حوادث این روز جامانده بود. عملیات مروارید که هفتم آذرماه ۱۳۵۹ رخ داد و حداقل دو سوم کل نیروی دریایی عراق بعثی را به نابودی کشاند، آنقدر مهم نبود که در میان حوادثی چون تقویت نیروهای دشمن در جبهه سوسنگرد و آموزش افسران عراقی به ضدانقلابیون در اشنویه و... گنجانده شود! در هفتم آذرماه ۵۹ اما یک اتفاق بزرگ در میان آب‌های نیلگون خلیج فارس افتاد که در تاریخ جنگ‌های دریایی جهان کم نظیر است. در این روز ناوچه پیکان، با کمک و همراهی نیروی هوایی، حداقل ۱۲ فروند از ناوچه‌ها و شناورهای دشمن را به اعماق آب‌ها فرستاد و تعدادی از جنگنده‌هایش نیز ساقط شدند. در آستانه این روز تاریخی به گفت‌وگو با امیر دریادار عبدالله معنوی رودسری از پیشکسوتان نیروی دریایی ارتش جمهوری اسلامی ایران و همرزم شهید محمدابراهیم همتی فرمانده توانمند ناوچه پیکان پرداختیم تا با یکی از حماسه‌های بی‌بدیل دفاع مقدس بیشتر آشنا شویم.

سابقه خدمتی شما نشان می‌دهد از با سابقه‌ترین افسران نیروی دریایی کشورمان از ابتدای دفاع مقدس تا انتهای آن بوده‌اید. برای شروع بیشتر خودتان را معرفی کنید.

من سال ۲۸ در رودسر به دنیا آمدم و سال ۴۸ وارد ارتش شدم. آن زمان چون دانشکده نظامی مختص علوم دریایی در کشورمان وجود نداشت، به آلمان اعزام شدم. سال ۵۴- ۵۳ پس از فارغ‌التحصیلی، ابتدا در بندرعباس مشغول شدم و از سال ۵۶ هم در منطقه دوم دریایی بوشهر حضور داشتم که انقلاب به پیروزی رسید و دو سال بعد هم که جنگی همه جانبه به کشورمان تحمیل شد. آن زمان نیروی دریایی ۱۲ فروند ناوچه موشک‌انداز کلاس پیکان داشت که من فرمانده یکی از این ناوچه‌ها بودم. سال ۶۲ یا ۶۳ فرمانده ناوشکن کلاس الوند شدم که تنها چهار فروندشان در ایران وجود داشت. تا پایان جنگ در همین سمت بودم و بعد از جنگ و پس از ۲۷ سال خدمت در شرایط عملیاتی، به تهران منتقل شدم و یکی از آخرین سمت‌هایم قبل از بازنشستگی معاونت عملیات نیروی دریایی ارتش جمهوری اسلامی ایران بود.

پیکان نام یک ناوچه است یا نام نوعی از ناوچه‌ها؟ آخر شما در حرف‌هایتان نامی از کلاس پیکان بردید؟

قبل از انقلاب ۱۲ فروند ناوچه موشک‌انداز از فرانسه با عنوان Combattante۲ خریداری شد که ۹ فروندشان وارد کشور شد و سه فروندشان بعد از پیروزی انقلاب و مسائلی که پیش آمد، با تأخیر تحویل کشورمان شدند. معمولاً شناورها را در قالب کلاس‌های خاصی طبقه‌بندی می‌کنند. در ایران ابتدا نام فارسی این شناورهای فرانسوی را ناوچه‌های موشک انداز کلاس کمان گذاشته بودند. کلاس کمان نشانه‌ای بر شناسایی نوع آنها بود و هر ناوچه‌ای هم اسم مجزای خودش را داشت. مثلاً ناوچه پیکان، شمشیر، گرز، کمان و... . ناوچه پیکان یکی از این ۱۲ ناوچه موشک انداز کلاس کمان بود که به دلیل حماسه‌آفرینی در هفتم آذرماه و خلق عملیات مروارید، پس از آن ناوچه‌های موشک انداز فرانسوی Combattante۲ را تحت عنوان ناوچه‌های کلاس پیکان نامگذاری کردند.

شما فرمانده کدام یک از این ناوچه‌ها بودید؟

درستش این است که هر ناخدا یا فرمانده‌ای به همراه نیروهایش روی یک ناوچه مستقر شوند و کار کنند، اما اوایل جنگ چون خدمه و پرسنل مجرب کمی در اختیار داشتیم، بسیاری از مواقع جابه‌جایی صورت می‌گرفت و من گاهی فرمانده ناوچه کمان می‌شدم، گاهی فرمانده ناوچه دیگری و... زمانی که عملیات مروارید رخ داد، من فرمانده ناوچه کمان بودم و شهید همتی فرمانده ناوچه پیکان. قرعه به نام ایشان افتاد و سعادت داشت که پس از زدن ضربه مهلکی به دشمن در همان عملیات مروارید به شهادت برسد.

قبل از پرداختن به مروارید، یک پرسش ذهنم را به خود مشغول کرده است. گفتید که پرسنل کمی برای فعالیت روی ناوچه‌ها داشتید، این موضوع چه دلیلی داشت؟

دلیل عمده‌اش بی‌خردی‌هایی بود که اوایل انقلاب در حق ارتش می‌شد. یادمان نرفته شعارهایی مثل ارتش بی‌طبقه توحیدی، انحلال ارتش و... را که باعث شد نهایتاً حضرت امام همه توطئه‌ها را خنثی و ۲۹ اردیبهشت را به عنوان روز ارتش نامگذاری کنند. نگاه‌های مغرضانه برخی از جریان‌ها به ارتش آن هم پیش از شروع جنگ باعث ضربه خوردن به آن می‌شد. خوب یادم است تنها چند ماه مانده به شروع دفاع مقدس، بخشنامه‌ای آمد که هر کسی بخواهد می‌تواند تسویه کند و از ارتش برود. خب یک افسری که از بودجه این مملکت استفاده کرده و با تحصیل در خارج از کشور تخصصی کسب کرده بود، قاعدتاً باید متعهد می‌شد از توانایی‌هایش در داخل کشور استفاده کند، اما اینطور بخشنامه‌ها که معلوم نبود با چه منطقی صادر می‌شدند، او را از بند تعهدات رها می‌کردند. با تخصصی که ما داشتیم، می‌شد در بهترین دانشکده‌ها یا مراکز نظامی اروپا مشغول شد و تعدادی نیز اینطور بخشنامه‌ها را فرصتی تلقی کردند و رفتند، اما بودند افرادی که به دلیل تعهدشان نسبت به ایران اسلامی و عمل به فرامین حضرت امام، ماندند و با کمبودها و ناملایمات ساختند.

جنگ که شروع شد، نیروی دریایی چه اقداماتی را برای مقابله با تهاجم دشمن انجام داد؟

ما از خیلی وقت پیش متوجه شده بودیم که حمله دشمن قریب‌الوقوع است. منتها مسئولان وقت و افرادی مثل بنی صدر به گزارش‌ها توجه نمی‌کردند. یگان‌های دریایی حاضر در خرمشهر به خوبی خطر را احساس کرده بودند و دست و پای ما برای انجام واکنش مناسب بسته بود. نهایتاً ۴۸ ساعت قبل از شروع جنگ، مسئولان وقت نیروی دریایی یک سازمان رزم جنگی را در بوشهر پایه‌ریزی کردند. به همین منظور قرارگاهی تحت عنوان «فرمانده نیروی رزمی ۴۲۱» تشکیل شد. فرمانده این قرارگاه هم ناخدا مدنی‌نژاد جانشین فرمانده کل نیروی دریایی ارتش بود. فرمانده و قرارگاهش باید با شناسایی ژئوپلتیک منطقه، طبق شرایط موجود نیروها را ساماندهی می‌کردند، فرمان عملیات جنگی و به کار بستن شناورها و... را انجام می‌دادند. یکی از اولین اقدامات قرارگاه انتقال شناورهای موجود در بندر خرمشهر و رودخانه کارون به بوشهر بود تا در صورت حمله قریب‌الوقوع دشمن آسیب نبینند. بعد از شروع جنگ نیز چون صدام ادعاهایی را مبنی بر جزایر سه‌گانه بیان کرده بود، ناوها و شناورهای نیروی دریایی در کنار این جزایر آرایش جنگی گرفتند و به کشورهای حاشیه خلیج فارس که همپیمان عراق بودند هشدار داده شد ما حواسمان جمع است و اگر فکر و خیالی دارید بهتر است کنار بگذارید. در دومین اقدام نیز برای اینکه بتوانیم عبور و مرور کشتی‌های عراقی را به خلیج فارس مسدود کنیم، ناوچه‌های نیروی دریایی به دهانه فاو رفتند و به رغم خطراتی که در آنجا وجود داشت و امکان داشت حتی از روی خشکی نیز مورد هجوم قرار بگیرند، خطرات را به جان خریدند و دهانه فاو را مسدود کردند.

عملیات مروارید چطور اتفاق افتاد؟

قبل از اینکه به عملیات بپردازیم باید شرایط منتهی به آن را تشریح کنیم. همانطور که عرض کردم نیروی دریایی در اولین اقدامش سعی کرد دهانه فاو را مسدود کند، اما عراق دو اسکله یا پایانه نفتی بزرگ به نام الامیه و البکر تقریباً ۱۲ الی ۱۳ کیلومتر دورتر از دهانه فاو و داخل خلیج فارس داشت. این دو اسکله در صدور نفت عراق سهم عمده‌ای داشتند بنابراین تصمیم گرفتیم تا اسکله‌ها را از بین ببریم. تقریباً دهم آبان ماه اولین اقدام ما علیه اسکله‌های الامیه و البکر تحت عنوان عملیات اشکان انجام گرفت. سه ناوچه در این عملیات حضور داشتند که بنده فرمانده یکی از آنها بودم و شهید همتی هم فرمانده ناوچه پیکان بود. ما با توپ‌هایمان اسکله‌ها را کوبیدیم، اما تأسیساتشان بسیار عظیم بود و نمی‌شد با همین توپ‌ها کارشان را یکسره کرد. لذا چند روز بعد عملیات شهید صفری انجام گرفت و باز با فرماندهی ناوچه پیکان، تکاورها به اسکله‌ها منتقل شدند و با بمب‌گذاری‌هایی که انجام گرفت، خسارت جدی‌تری به اسکله‌ها وارد شد، طوری که حدود دو سوم تأسیسات‌شان از بین رفتند. بعد از این اتفاق بود که دشمن متوجه اهمیت اسکله‌ها شد و سعی کرد دوباره آنها را تحت تسلط خودش بگیرد و همین طور با استفاده از موقعیت اسکله‌ها، ورودی بندر امام را ناامن کند.

پس فرماندهان برای پاسخ به تحرکات دشمن، عملیات مروارید را تدارک دیدند؟

بله، ما برای اینکه مانع استقرار دشمن در اسکله‌ها علیه بندر امام شویم، عملیات مروارید را طرح‌ریزی کردیم. من در روز عملیات چون ۴۸ ساعت همراه شناورم روی آب بودم، در خشکی به سر می‌بردم. شهید همتی و شناور تحت امرش یعنی ناوچه موشک‌انداز پیکان با هماهنگی بالگردها و نیروی هوایی مسئول انجام عملیات شده بود. از سپیده دم ناوچه پیکان، تکاوران را به جزیره انتقال داده و توانسته بودند اسرای زیادی بگیرند، اما وقتی دشمن متوجه عملیات نیروهای ما شد، هرچه در توان داشت به کار بست تا دوباره بر اسکله‌ها مسلط شود. بنابراین مرتب ناوچه‌ها و شناورهایش را به طرف اسکله‌ها گسیل می‌کرد. ناوچه پیکان هم زیر اسکله‌ها موضع گرفته بود و هرچه توپ و موشک داشت به طرف شناورهای دشمن شلیک کرد. همزمان جنگنده‌های دشمن هم به پیکان حمله کردند و نیروی هوایی خودی از ناوچه پیکان پشتیبانی به عمل می‌آورد. نتیجه حاصله واقعا خیره‌کننده بود، حدود ۱۲ شناور و ناوچه دشمن توسط ناوچه پیکان و نیروی هوایی غرق شد. خود پیکان همچنان می‌جنگید تا اینکه حوالی ساعت ۱۴ یا ۱۵ موقع خروج از موضعش، در حالی که یکی از ناوچه‌های دشمن در انتهای اسکله‌ها پنهان شده بود، آن را مورد اصابت چهار موشک خود قرار می‌دهد. موشک اولی با مانور پیکان اصابت نمی‌کند، اما موشک دوم برخورد می‌کند و باعث از کار افتادن سیستم کنترلش می‌شود. پشت بندش موشک‌های سوم و چهارم باعث انهدام ناوچه پیکان می‌شوند.

قطعاً استقامت در برابر چندین شناور دشمن آن هم توسط تنها یک ناوچه، فرماندهی جسور و قاطع می‌طلبد. شهید همتی را چطور آدمی می‌شناختید؟

شهید محمدابراهیم همتی همدوره‌ای من بود و هر دو با هم در آلمان تحصیل می‌کردیم. به جرئت می‌توانم بگویم واژه ترس را غلط املاء می‌کرد، بس که آدم شجاع و نترسی بود. در زندگی عادی و روزمره هم شجاعت داشت و در میدان جنگ که دیگر کارستان می‌کرد. همین که زمان عملیات زیر اسکله پهلو گرفت از لحاظ نظامی یک کار خاص و شجاعانه به شمار می‌رفت. شهید همتی در عین حال یک آدم افتاده، بی‌شیله پیله و دوست داشتنی بود. جاذبه‌اش طوری بود که روز عملیات ناوبان شهید لبافی که جانشین بنده در ناوچه‌ام بود، با وجودی که مسئولیتی نداشت و می‌توانست در عملیات شرکت نکند، تنها به دلیل جاذبه شهید همتی با او و ناوچه پیکان همراه شد و سعادت شهادت را هم در کنار همتی برای خود خرید. آنطور که همرزمانمان تعریف می‌کنند، شهید همتی در آخرین لحظات در حالی که زخمی شده بود، از نیروهایش می‌خواهد ناوچه را ترک کنند و در همین لحظه مورد اصابت موشک چهارم قرار می‌گیرد و همراه مرکب شهادتش به اعماق آب‌های خلیج فارس فرو می‌رود.

مروارید یک عملیات ناب و کم‌نظیر است، اما کمتر به آن پرداخته شده است، به نظر شما علت این مسئله چیست؟

یک دلیلش این است که زحمات نیروی دریایی در مقایسه با سایر نیروها کمتر دیده می‌شود. از طرفی عمق و اهمیت عملیات مروارید هنوز برای خیلی از محققان پوشیده مانده است. شما ببینید وقتی طی یک نصفه روز عمده نیروی دریایی دشمن از بین می‌رود، در واقع دستش از دریا و مبادلات مهم دریایی قطع می‌شود. حالا بخواهیم ابعاد اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و... این مسئله را بسنجیم، کتاب‌ها لازم است. بنابراین همانطور که شما هم گفتید، متأسفانه عملیات مروارید حتی‌المقدور در تاریخچه دفاع مقدس بسیار مهجور مانده و جا دارد که بیشتر به آن توجه شود.

یادکرد

جستاری در دانش و شجاعت کم‌نظیر فرمانده ناوچه قهرمان پیکان

شهیدی که در دوره‌های ناوبری ۷۰ کشور جهان نفر اول شد

■ آرمان شریف

حماسه ناوچه پیکان در هفتم آذر سال ۱۳۵۹ یکی از برگ‌های زرین تاریخ دفاع مقدس است. در این روز تاریخی که نیروی دریایی ارتش بعث ضربات مهلک و جبران‌ناپذیری می‌خورد یک جوان ۳۰ ساله در کنار سایر نیروها نقشی اساسی ایفا می‌کند. شهید همتی در جریان عملیات مروارید فرماندهی ناوچه پیکان را برعهده داشت و با رشادت و شجاعتش در کنار دیگر همرزمان، اسکله‌های نفتی البکر و الامیه را به آتش کشید و جریان صادرات نفت عراق از طریق خلیج فارس و دریای عمان را قطع کرد.

به گزارش «جوان» محمدابراهیم پس از اخذ مدرک دیپلم از دبیرستان رودکی با وجود قبولی در رشته مهندسی دانشگاه تهران، به دلیل علاقه فراوانی که به دریا داشت، استخدام در نیروی دریایی ارتش را برگزید. بعد از مدتی برای طی دوره‌های ناوبری و فرماندهی کشتی به آلمان اعزام شد و در بین دانشجویان ۷۰ کشور جهان رتبه نخست را به خود اختصاص داد. محمداسماعیل همتی برادر شهید درباره سفر برادرش به آلمان می‌گوید: «من مدتی در کشور آلمان بودم که این موضوع همزمان شد با آمدن محمدابراهیم به آلمان و در آنجا می‌دیدم که با چه شور و علاقه‌ای تحصیلش را ادامه می‌داد. او علاقه بسیار شدیدی به ایران داشت و در طول سال‌هایی که در خارج بود مدام از ایران حرف می‌زد و به فکر پدر و مادر بود.»

همتی در ادامه، برای تکمیل مهارت‌ها و تخصص‌های دریانوردی، به کشورهای سوئد و فرانسه اعزام شد و تا سال ۱۳۵۷ در آن جا تحصیل کرد. پس از اتمام دوره‌های تخصصی ناوبری و فرماندهی کشتی که در آلمان به سر آمد، به ایران بازگشت و در منطقه دوم دریایی بوشهر مشغول به خدمت شد.

پدر شهید در خاطره‌ای بی‌قراری‌های پسرش برای رفتن به بوشهر را اینگونه توصیف می‌کند: «بیش از دو سال از آمدنش به ایران می‌گذشت و او در بوشهر و روی ناوچه پیکان خدمت می‌کرد که جنگ آغاز شد. روز ۳۱ شهریور سال ۱۳۵۹ که حمله نیروهای عراقی به کشور آغاز شد محمدابراهیم در مرخصی به سر می‌برد و تهران بود. بعد از ظهر که به فرودگاه مهرآباد حمله شد و یورش نیروهای عراقی از طریق رادیو و تلویزیون اعلام شد، بلافاصله برای تهیه بلیت هواپیما از خانه بیرون رفت، اما چند ساعت بعد با ناراحتی به خانه برگشت و گفت به علت حمله به فرودگاه‌ها تمام پروازها لغو شده و هیچ‌گونه پروازی صورت نمی‌گیرد. آرام و قرار نداشت و اصرار داشت که شبانه به سوی بوشهر حرکت کند، چراکه می‌گفت در بوشهر به کمک او نیاز دارند. بلافاصله همان شب لباس‌هایش را جمع کرد و با اتوبوس به شیراز رفت و از آنجا با سواری خود را به بوشهر رساند.»

شهید همتی بعد از چندین عملیات موفق از جمله عملیات اشکان و شهید صفری، در هفتم آذر ۱۳۵۹ به طور داوطلبانه در عملیات مروارید شرکت کرد. مجتبی مسیحی همرزم شهید درباره روز عملیات می‌گوید: «او فرماندهی لایق و جسور بود و در همان ماه‌های ابتدایی جنگ حجم بسیار بالایی از مأموریت‌های دریایی را به وسیله ناوچه پیکان به انجام می‌رساند. اخلاق خیلی خوبی داشت و با پرسنل در مواقع ضروری مشورت می‌کرد.

یادم می‌آید عملیات مروارید به پایان رسیده بود و ما از اسکله‌های البکر و الامیه عراق دور می‌شدیم که شهید همتی مرا صدا زد تا روی عرشه بروم. ۴۸ ساعت از آغاز عملیات گذشته بود و من چون افسر مخابرات و مسئول رادار ناوچه بودم در طول این ۴۸ ساعت استراحت نکرده بودم. از من تشکر کرد و با دست روی شانه‌ام زد و بیشترین علت موفقیت ناوچه و عملیات را به من نسبت داد. در این حین ناگهان صدای فریاد بچه‌های ناوچه بلند شد که موشک به سمت ما می‌آید، انتظار حمله را نداشتیم. شهید حفیظی که معاون شهید همتی بود به سمت سکان دوید و آن را به طور کامل به سمت چپ تکان داد اما متأسفانه موشک به قسمت انتهایی ناوچه اصابت کرد و من به داخل آب پرتاب شدم. زمانی که به خود آمدم ناوچه در حال غرق شدن بود و هواپیماهای دشمن با شلیک خود به سمت ناوچه آن را مورد اصابت قرار داده بودند.

شهید همتی را در آخرین لحظات روی ناوچه که در حال غرق شدن بود دیدم اما هیچ‌وقت پیکر محمدابراهیم پیدا نشد و همانند پیکان در قعر آب‌های خلیج همیشه فارس، مأوا گرفت.»

جدول

طراح: علیرضا سجادی فر ■ شماره ۴۹۶۶

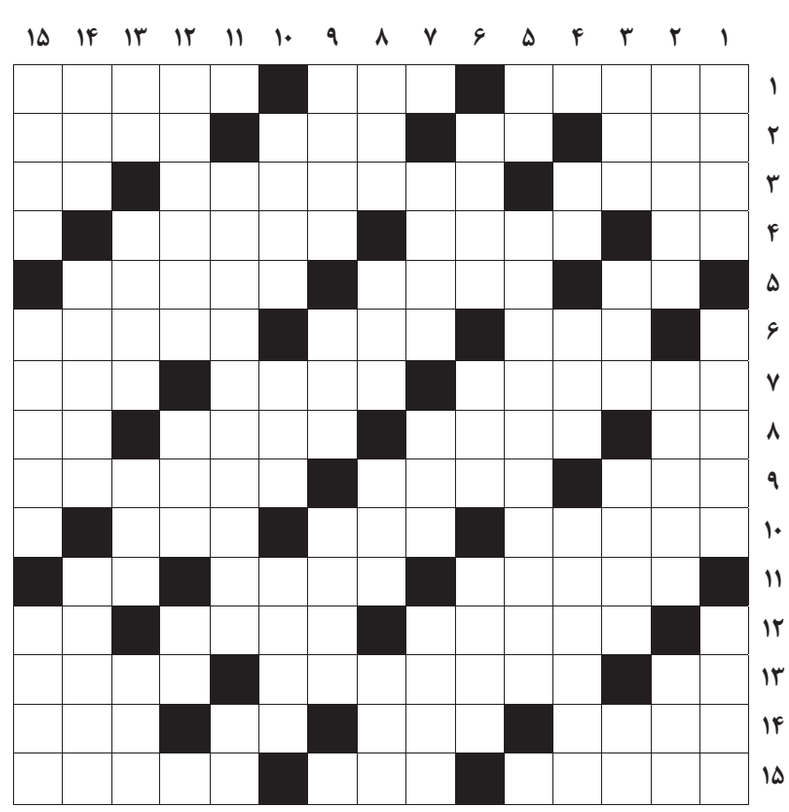

از راست به چپ

■ ۱- عهد و بیعت- پوشال- سهل‌انگاری ■ ۲- دانه تسبیح- مادر لر- مزد و پاداش- راه اصلی اتصال به اینترنت ■ ۳- شهری در استان کرمان- درآمد و هزینه- یک و یک ■ ۴- از اقمار مشتری- سازمان خواربار و کشاورزی ملل متحد- اعلامیه و نامه سرگشاده ■ ۵- دشمن سخت- گیاه- بی احترامی ■ ۶- قطع سینمایی- مهد- تند راه رفتن ■ ۷- سرمای شدید- فلانی- حیات و زندگی ■ ۸- خدای سنگی- شهری نزدیک قزوین- قیافه و شکل- پایه و اساس ■ ۹- از شبکه‌های صدا- اتحادیه فوتبال اروپا- موسسه این سلسله پادشاهی در ایران قدیم ارشک بود ■ ۱۰- کنایه از شلوغی و هرج و مرج- پرنده سعادت- میان سال ■ ۱۱- نانوشته‌اش غلط ندارد- بدنام- کلمه شگفتی ■ ۱۲- نوعی پارچهٔ راه راه پشمی یا ابریشمی- شرم و حیا- دریا ■ ۱۳- یک دور تنیس- علم اقتصاد- سبزی سالاد ■ ۱۴- واحد طول روسی- فلسفه ارسطو- راه بی پایان- عضو پرواز پرنده ■ ۱۵- بزرگداشت- صدای بال حشرات- توطئه ناگهانی

از بالا به پایین

■ ۱- کهولت- از جهت؛ از حیث- لباس ■ ۲- قراول- تولدیافته- کنار گذاشتن عملی ■ ۳- خراسان قدیم- مغازه کوچک- نوعی پرنده با نوک دراز- فرمانده بدن ■ ۴- تاقچه بالا- نظرات- رنگ قهوه‌ای مات با ته رنگ شیری ■ ۵- چوب خوشبو- داروی ضد میکروب ■ ۶- دانای علم و ادب- مکر و حیله- حمله ■ ۷- سفره- پله ترازو- از جزایر تشکیل دهنده ژاپن ■ ۸- فیلم ابوالفضل جلیلی- برادر و خواهر همخون- دستور- از حروف انگلیسی ■ ۹- ستارگان- نوعی پسوند شباهت- ایالتی در هند ■ ۱۰- نفوذ و سوراخ- دورویی- مهره مقتدر شطرنج ■ ۱۱- شیرینی محلی گیلان- کالای نو ■ ۱۲- همسایه- پاره‌ای از چیزی- نیزه کوچک ■ ۱۳- درخت انگور- رکنی از ارکان نماز- میوه تلفنی- نوعی حبس ■ ۱۴- نماز در وقت معین- ضرب شمشیر- هرگز ■ ۱۵- سخن چین- شهری در کرمانشاه- سرور و آقا

جدول سودوکو

ارقام ۱ تا ۹ را طوری قرار دهید که در هر ردیف، ستون و مربع‌های کوچک سه در سه فقط یک بار به کار روند.

			۳		۵			
			۸			۵		۴
	۷	۱						
۸							۲	
۳	۲	۷				۹		
				۶			۸	
	۱	۸				۶		
		۵				۱		۷
			۴		۳			

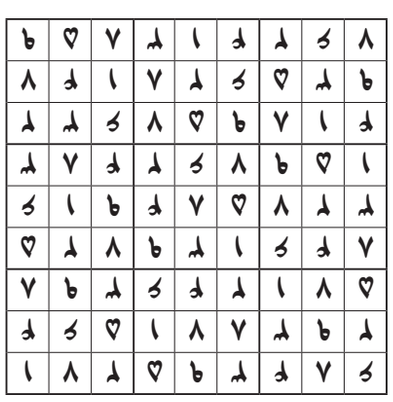

جدول کلمات متقاطع
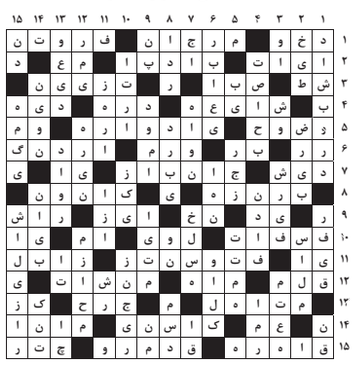
پاسخ جدول شماره ۴۹۶۵